**طلایه داران سده ها**

**نویسنده : منوچهری، حسین**

دو مجدّد: پژوهشهایی درباره محمّد غزّالی و فخر رازی. تألیف دکتر نصراللّه‏ پورجوادی. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول. تهران 1381. 617 + چهارده ص (دیباجه و عناوین) و پنج ص مقدمه انگلیسی.

در تاریخ فرهنگ و اندیشه بشر، گاهی نادره‏هایی ظهور کرده‏اند که با حضور خود دگرگونیهایی شگرف و نوآوریهایی ماندنی را پدید آورده‏اند. بزرگان و نام‏آورانی چون فارابی، ابن‏سینا، خواجه نصیر، ملاّصدرا، خیّام، خوارزمی، بیرونی، غزّالی، فخر رازی، سهروردی، مولانا، فردوسی، حافظ، سعدی، سنائی، نظامی و ... هر یک نقطه عطفی در سیر تفکّر بشر، و استثنایی در خیل ارباب دانش و بینش به شمار می‏روند.

اهل تحقیق بر این باورند که در رأس هر سده، یکی از این شخصیتهای استثنایی ظهور کرده و با حضور خود در صحنه‏های علمی و فکری موجبات احیاء و نوسازی را در مقوله‏های مختلف دانش بشر فراهم آورده است؛ و در یکی از فهلویات منسوب به باباطاهر همدانی نیز این باور ـ منتهی نه در قالب سده، بل هزاره ـ بیان شده است:

به هر اَلْفی اَلِف قدّی برآید

اَلِف قدّم که در اَلْف آمدستم

ظاهرا اعتقاد به «مجدّد رأس مائة» ریشه روائی و حدیثی نیز دارد که براساس آن خداوند در آغاز هر سده‏ای، بزرگمردی را توفیق می‏دهد تا به عنوان طلایه‏دار قرن، غبار کهنگی و فرسودگی را از چهره علم و دین بزداید و این دو عنصر رشد و تعالی را از حشو و زواید و جهل و تعصّب و خرافه بپیراید.

\*

بازار کتاب اخیرا شاهد حضور دو مجدّد شده است تا استاد پژوهنـده و پرکـار، دکتر نصراللّه‏ پـورجـوادی در ساختـار چنین عنوانی، «پژوهشهایی [سودمند] درباره محمّد غزّالی و فخر رازی» انجام دهند؛ کتابی که به تعبیر مؤلّف آن «... حاصل پژوهشهایی است که نگارنده در طیّ حدود شانزده سال گذشته به مرور، و به مناسبتهای گوناگون، درباره پاره‏ای از آثار و آراء و افکار دو تن از شخصیتهای بزرگ عالم اسلام، یکی ابوحامد محمّد غزّالی، و دیگری فخرالدین رازی انجام داده است ...» [دیباجه، ص 3] به هر روی، مؤلف معتقد است که:

1) غزّالی احیاگر علم و عرفان و تصوّف در سده ششم، و فخر رازی تجدیدکننده بنای فکر و دانش و فرهنگ در سده هفتم بوده است.

2) غزّالی و فخر رازی وجوه اشتراک و تشابهی با یکدیگر داشته‏اند و البته آثار غزّالی همواره و با احترام مورد مراجعه و مطمح نظر فخر رازی بوده است.

با این توضیح، وجه نامگذاری کتاب به دو مجدّد روشن، و لطف و ظرافت انتخاب این عنوان برای آن به خوبی احساس می‏گردد؛ و اینک قبل از مرور بر مطاوی کتاب، اطلاعاتی ـ گرچه مختصرـ در خصوص غزّالی و فخر رازی:

ابوحامد، محمّد بن محمّد بن محمّد بن الف. درباره غزّالی

احمد طوسی، ملقب به حجّة‏الاسلام که به زین‏الدین نیز معروف و مشهور است در سال 450 ه . ق در نوقان طوس به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همین دیار فرا گرفت. آنگاه مختصری از فقه را نزد احمد بن محمّد رادکانی (در طوس) و تکمله آن را نزد امام ابو نصر اسماعیلی (در گرگان) آموخت. سپس از طوس رهسپار نیشابور شد و چندی نزد امام الحرمین (متوفی به سال 478 یا 479 ه .ق) که از فقهای مشهور شافعی بود تلمذ کرد و بعد نزد خواجه نظام‏الملک، وزیر معروف الب‏ارسلان و ملکشاه سلجوقی رفت و مورد احترام قرار گرفت و به تدریس در نظامیه بغداد دعوت شد. غزّالی در آستانه چهل‏سالگی در گیر تحوّل فکری و روحی عظیمی شد و بر اثر آن کرسی تدریس در مشهورترین و معتبرترین دانشگاههای آن روز جهان اسلام را ترک کرد؛ رویدادی که مرحوم استاد زرّین‏کوب آن را «فرار از مدرسه» می‏نامد. وی آنگاه راهی دمشق و بیت‏المقدس شد و مدت ده سال از عمر خود را در خلوت و انزوا و گمنامی گذرانید و کتاب مشهور خود احیاء علوم‏الدین را در آن سامان تألیف کرد. بازگشت مجدّد غزّالی به طوس سبب شد تا به اصرار دربار بار دیگر به تدریس در نظامیه نیشابور بپردازد امّا این وضع بیش از یک‏سال نپایید و غزّالی از تدریس استعفا کرده به طوس بازگشت و با ساختن خانقاهی برای صوفیان و مدرسه‏ای برای طلاّب به وعظ و ارشاد و خلوت و سکوت سرگرم شد تا آنکه سرانجام در 505 ه .ق زندگی را بدرود گفت. به هر تقدیر غزّالی تا سال 488 ه .ق که دچار تحوّل روحی شد، فقیه و مفتی و عالم و مدرّس بوده و از آن پس عارف و صوفی و زاهد و متفکّر. وی با فلاسفه و اسماعیلیه و باطنیه مخالف بود و پس از آنکه کلام و فلسفه و باطنیگری را وافی به مقصود نیافت، رو به تصوف آورد و تحت تأثیر مشایخ این فرقه چون حارث محاسبی، شبلی، جنید و بایزید قرار گرفت و از جاه و مقام گسسته به عبادت و خلوت و ارشاد پیوست. احیاء علوم‏الدین یا احیاءالعلوم، کیمیای سعادت، مقاصد الفلاسفه، تهافت‏الفلاسفه، نصیحة‏الملوک، المستصفی من علم‏الاصول، الوسیط، الوجیز، معیارالعلم، المنقذ من‏الضلال بخشی از آثار اوست و کلّ آثارش را تا 400 عنوان هم ذکر کرده‏اند.

فخرالـدّیـن، محمّـد بن عمر بن حسین ب. درباره فخر رازی

رازی، مشهور به ابن‏الخطیب و ملقب به امام‏المشکّکین در سال 543 یا 544 ه .ق در ری به دنیا آمد. در کلام و عقاید اشعری‏مذهب بود، و در فقه گرایش به شافعی داشت. او برای تحصیل و تدریس و خطابه به مراکز مهمّ علمی روزگار خود سفرها کرده و با معتزله و علما و فقها مباحثات و مجادلات بسیاری داشته است. وی چندی نیز در هرات به وعظ و تدریس پرداخت و با کرّامیّه که از فرقه‏های قوی و پرجمعیت آن سامان بودند مناظراتی کرد و با آنان درگیر شد؛ جدالی که بر اثر آن عوام مردم تحریک شده بر او شوریدند. وفات وی در عید فطر سال 606 ه .ق رخ داده است. علّت اینکه او را امام‏المشکّکین لقب داده‏اند آن است که تمام مسائل فلسفی و علمی را مورد اعتراض و تشکیک قرار می‏داد و در صحّت و اعتبار تمام عقاید و آراء پیشینیان از علماء و فلاسفه خدشه و خلل وارد می‏کرد. او نیز مانند غزّالی، علاوه بر مخالفت با فلاسفه، با کرّامیّه و اسماعیلیه نیز مخالف بود؛ چندانکه مورد تهدید فرقه اخیر نیز قرار گرفته است. وی در کلام، فلسفه، منطق، فقه، اصول، ریاضیات، طبّ، تفسیر و سایر علوم تألیفاتی دارد که اسرار التنـزیـل، المبـاحث المشرقیّه، شرح‏الاشارات (اشارات ابن‏سینا)، المحصول، المعالم، مصـادرات اقلیـدس، الطّبّ الکبیر، و مفـاتیح‏الغیب از آن جمله است.

\*

مؤلف محترم دو مجدّد پس از یک مقدمه هشت صفحه‏ای که طیّ آن ترتیب تنظیم ابواب کتاب (مشتمل بر هفت بخش: پنج بخش نخست درباره غزّالی و دو بخش آخر درباره فخر رازی) را شرح داده‏اند، در بخش اول با اشاره به اینکه غالب آثار غزّالی جنبه «فتوا» دارد، خاطر نشان می‏سازند که این واژه در حوزه کار غزالی دارای معنا و مفهومی وسیعتر از معنای متداول [در عرصه فقه و فقاهت] است. این فتواها در حقیقت «پاسخهای ابوحامد است به پرسشهایی که از وی درباره بعضی از مسائل تصوف کرده‏اند» [دیباجه/ ص سه] ؛ مسائلی از قبیل: حرمت یا حلّیّت سماع؛ عهد الست؛ رابطه محبّت خدا با محبّت مخلوق به لحاظ قِدَم و حدوث ـ که اولی قدیم است و دومی حادث یا مُحدَث ـ ؛ موقوفات خانقاهها و اموال رباطهای صوفیّه و شرایط استفاده از آنها؛ لزوم رعایت احکام و تکالیف شرعی در تمام مراحل سیر و سلوک، حتّی در قرب و وصال؛ خواص و اسرار عبادات؛ و بالأخره وجوب نماز در تمام احوال. [ص 3 تا 117].

در بخش دوم به ذمّ و قدح اهل اباحه از نظر غزّالی پرداخته شده است. گفتنی است که مراد از «اهل اباحه» یا «اباحتیان» جماعتی از صوفیان یا سوءاستفاده‏کنندگان از تصوّف هستند که «... پای‏بند به شریعت نبودند، و در انجام فرائض کوتاهی می‏کردند، و ابائی از ارتکاب به محرّمات هم نداشتند ...» [ ص 121]. در این بخش همچنین موضوعاتی از قبیل: سابقه انتقاد از صوفیّه قبل از غزّالی، انتقاد غزّالی از اهل اباحه با استناد به حدیث افتراق (ستفترق امّتی ...)، تفاوت دیدگاه غزّالی با دیدگاه فرقه‏شناسان و متکلمان، فتوای بی‏محابای غزّالی در خصوص اهل اباحه که: «این قوم بدترین خلقند و بدترین امّتند و علاج ایشان مأیوس و با ایشان مناظره‏کردن و ایشان را نصیحت گفتن سود ندارد که قمع و استیصال ایشان و ریختن خون ایشان واجب است» [ص 132 و 133]، فرقه‏های غیر متشرّع، به تفصیل و تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و در پایان آن رساله غزّالی در «حماقت اهل اباحت» آمده است. وی در این رساله، طی شش فصل درصدد است تا کجروی و نادانی این قوم شیّاد و مرقّع‏پوش را به اثبات برساند. [ص 146 تا 210].

منابع کتاب احیاء علوم‏الدین که طیّ آن مآخذ صوفیانه غزّالی، برگرفته‏های غزّالی از کتاب تهذیب‏الاسرار خرگوشی و رساله قشیری و آثار مکی و سراج ارائه شده است؛ پژوهشی درباره روضة‏الطالبین و المضنون به علی غیر اهله ـ به لحاظ اصالت و جعل آنهاـ بررسی تحفة‏الملوک و داستان شیخ صنعان؛ پندنامه و رابطه آن با نصیحة‏الملوک و دو اثر مندرج در بیاض تاج‏الدین احمد وزیر، که به غزّالی نسبت داده شده است، به ترتیب مطالب بخشهای سوم، چهارم و پنجم را تشکیل می‏دهد [ص 211 تا 455] .

بخشهای پایانی کتاب دو مجدّد اختصاص به فخر رازی دارد: بخش ششم متضمن موضوع فخر رازی و تصوف است که در آن رابطه وی با مشایخ صوفیه، سفر وی به خوارزم و ملاقاتش با نجم‏الدین کبری، و نامه سهروردی (شهاب‏الدین عمر) به فخر رازی بررسی شده [ص 459 تا 517] و بخش هفتم مشتمل است بر تأملی در سه اثر فارسی فخر رازی: 1. شرح و نقد مشکاة‏الانوار غزّالی؛ 2. لامکان بودن خداوند، یا به تعبیر مؤلف «نفی حیّز و جهت از خدای تعالی»؛ 3. منظومه منطق و فلسفه که با این بیت آغاز می‏شود:

ایا گذشته ز سر حدّ جسم و عالم جان

و یا رسیده به انوار عالم عرفان

و با این بیت پایان می‏یابد:

به هر مرادی یار تو کردگار رحیم

به هر مقامی با تو هدایت رحمان

کتاب دو مجدّد ضمائمی چون: تصاویری از چند نسخه خطی، کتابنامه، فهرست‏های آیات، احادیث و اعلام را نیز دارد، و اینهمه در کنار زحمات فراوانی که مؤلف محترم در ارائه تحقیقات دقیق و جامع، توضیحات مفید و ممتّع، مقایسه‏ها و استنتاجهای آگاهانه و مخصوصا تهیه سازواره‏های مندرج در صفحات 70 تا 78، 153 تا 209، 425 تا 449 و 560 تا 564 متحمّل شده‏اند، مجموعه‏ای بدیع، ماندگار و ستودنی فراهم آورده است.